

Vol.2, No.2, Series.4

Autumn & Winter 2026

155 - 176

Frequent remembrance and divine companionship: An approach in practical theology to recreate a lifestyle

Dio: 10.22034/pt.2026.575623.1092



دوره دوم/ شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

■ **Reza Mollazadeh yamchi** (Corresponding Author)

Postdoctoral Researcher in Quranic Sciences and Hadith, Astan Quds Razavi Research Foundation, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0009-0001-6593-7545>

■ **Abbas esmaelizadeh**

Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, IranEmail: esmaelizadeh@um.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-9675-3511>

Abstract

This research aims to elucidate the concept of “Abundant Remembrance” (Dhikr Kathir) and its existential effects,

emphasizing the Hadith “I am the Companion of whoever remembers Me.” Adopting an approach rooted in practical theology, the study conducts a qualitative and conceptual analysis of a selected set of narrative and interpretive texts concerning Verse 41 of Surah Al-Ahzab. The central problem of the research is the transition from a quantitative and abstract understanding of “remembrance”-as the mere repetition of words-to a profound, qualitative, and functional understanding of it as a continuous “state of presence”. The research methodology is conceptual content analysis, through which a coherent theoretical model for the realization of a faithful life is extracted from the primary texts. The findings indicate that the essence of “Abundant Remembrance” lies not in numerical counting, but in “practical vigilance” and the sovereignty of God’s remembrance over choices during pivotal moments of distinguishing between the lawful (halal) and the forbidden (haram). This conscious presence results in the realization of “Divine Accompaniment” (Ma’iyyah)-a dynamic and mutual relationship manifested in the Sacred Hadith “I am the Companion of whoever remembers Me,” which places the individual within the sphere of divine love, security, and sufficiency. From an applied perspective, this article argues that this accompaniment leads to the recreation of a “remembrance-based lifestyle” through the “polishing of the heart” and the cultivation of “insight” (the cognitive dimension) in both individual (sovereignty over will and choices) and social (participation in circles of remembrance) spheres.



دوره دوم / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

Keywords: Frequent remembrance, practical theology, divine companionship, practical care, epistemological insight.

دوفصلنامه الهیات عملی
دوره ۲ / شماره ۲ / شماره پیاپی ۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۷۶ - ۱۵۵

ذکر کثیر و معیت الهی؛ رهیافتی در الهیات عملی برای بازآفرینی سبک زندگی

Dio: 10.22034/pt.2026.575623.1092

■ رضا ملازاده یامچی

پسا دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران.
رایانامه:

reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

■ عباس اسماعیلی زاده

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران، رایانامه:

esmaeelizadeh@um.ac.ir

چکیده

در این پژوهش با اتخاذ رویکرد «الهیات عملی»، به تحلیل مفهومی «ذکر کثیر» و آثار آن (با تأکید بر حدیث انا جلیس من ذکرنی) در متون روایی و تفسیری ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب پرداخته شده است. مسئله اصلی این تحقیق، نقد تقلیل ذکر به تکرار کلمات و تلاش برای فهم کاربردی آن به عنوان وضعیت مستمر حضوری است. براین اساس، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، داده‌های متنی بررسی و الگویی برای زیست مؤمنانه استخراج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حقیقت ذکر کثیر بیش از آنکه به شمارش کلمات وابسته باشد، در



دوره دوم / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مراقبت عملی و توجه به خدا در مواقف حلال و حرام ریشه دارد. پیامد چنین مراقبتی، تحقق «معیت الهی» است؛ رابطه‌ای فعال و دوسویه که مؤمن را در حریم محبت و حمایت پروردگار قرار می‌دهد. درنهایت، نتایج نشان می‌دهد که این معیت از طریق ایجاد بصیرت درونی، به بازآفرینی سبک زندگی در دو ساحت فردی (مدیریت اراده) و اجتماعی (شکل‌گیری حلقه‌های ذکر) کمک می‌کند. نوآوری مقاله در ارائه الگویی سه‌وجهی است که نشان می‌دهد چگونه یک مفهوم عبادی می‌تواند به راهبردی عملی برای ساماندهی رفتارهای روزمره بدل شود.

کلید واژه‌ها: ذکر کثیر، الهیات عملی، معیت الهی، سبک زندگی مؤمنانه، مراقبت عملی، بصیرت معرفتی.



مقدمه

فرمان الهی در آیه ۴۱ سوره احزاب (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا)، مؤمنان را به عبادتی فرامی‌خواند که در فهم رایج، اغلب به تکرار زبانی اذکار محدود می‌شود. این نگاه کمی‌نگر هرچند نادرست نیست، اما با ژرفای مفهومی این فریضه در متون تفسیری و روایی فاصله دارد. بررسی دقیق روایات نشان می‌دهد که ذکر، صرفاً کنش عبادی در حاشیة زندگی نیست، بلکه به‌عنوان «کیفیت حضوری» و ساحت وجودی معرفی شده است. کانون این تحول مفهومی، در حدیث قدسی «أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي» (من هم‌نشین کسی هستم که مرا یاد کند) نهفته است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۳). این گزاره، الگوی رابطه انسان و خدا را از یک خطاب یک‌سویه، به معیت و هم‌نشینی فعال و دوسویه ارتقا می‌دهد.

مسئله محوری این مقاله، واکاوی همین فرایند گذار است؛ اینکه چگونه متون دینی، مفهوم «ذکر کثیر» را از پوستة ظاهری کلمات خارج کرده و آن را شرط تحقق معیت الهی می‌دانند. در آموزه‌های مکتب اهل‌بیت (ع)، حقیقت ذکر به عرصه انتخاب‌های اخلاقی و مواجهه با حلال و حرام پیوند خورده است. این رویکرد انتقادی به ذکر زبانی صرف، در روایات متعدد به‌روشنی تبیین شده است: «أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ لَكُمْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... وَ لَكِنْ ذَكَرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ لَهُ وَ ذَكَرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۸۰، ۱۴۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۱۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج. ۱، ص. ۶۶۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ج. ۱، ص. ۲۰۷؛ ابن‌همام اسکافی، ۱۴۰۴ق، ج. ۱، ص. ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۱).



دوره دوم/ شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

براین اساس، در این پژوهش تلاش شده با تحلیل محتوای این متون، نشان داده شود که چگونه هم‌نشینی با خدا (معیت) به عنوان غایت ذکر، نگرش و منش فردی و اجتماعی انسان را دگرگون می‌سازد. پرسش بنیادین تحقیق این است که معیت الهی حاصل از ذکر کثیر چگونه تعریف می‌شود و چه بازتاب عینی و ملموسی در سبک زندگی مؤمنانه دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش از جایگاه محوری مفهوم «ذکر» در نظام معرفتی و تربیتی اسلام ریشه می‌گیرد. در سنت روایی، این فریضه تنها فضیلت عبادی ساده نیست، بلکه با تعبیری چون «خَيْرُ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِكِكُمْ وَأَرْفَعُهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ» (برترین و پاکیزه‌ترین اعمال شما نزد پروردگارتان و رفیع‌ترین آن‌ها در درجاتتان) توصیف شده و گاه برتر از انفاق طلا و نقره و جهاد در راه خدا شمرده می‌شود (برقی، ۱۳۷۱ق، ج. ۱، ص. ۳۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۴۹۹). با توجه به چنین جایگاهی، بررسی دقیق چیستی و سازوکار اثرگذاری آن ضرورت علمی است. این اهمیت زمانی روشن‌تر می‌شود که توجه کنیم این برتری، ریشه در پیامدی مهم دارد و آن جلب محبت الهی است: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ» (هرکس خدا را بسیار یاد کند، خدا او را دوست خواهد داشت) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۵۰۰).

براین اساس، در پژوهش پیش‌رو صرفاً در پی اثبات اهمیت ذکر نبوده، بلکه تلاش شده نشان داده شود چگونه این عمل به رابطه‌ای محبت‌آمیز و درنهایت به هم‌نشینی دائم (معیت) با پروردگار می‌انجامد. فهم این سازوکار، برای درک چگونگی تحول در سبک زندگی ضروری است، زیرا مؤمنی که خود را در محضر و هم‌نشین خدا می‌بیند، طبیعتاً انتخاب‌ها و رفتارهای خود را بر همین اساس تنظیم می‌کند. تقلیل دادن این مفهوم غنی به تکرار ظاهری الفاظ، سبب می‌شود یکی از عناصر مهم تحول‌آفرین در تربیت دینی نادیده گرفته شود. ازاین‌رو، در این تحقیق سعی بر این است با بازگشت به متون روایی و تفسیری، پیوند میان ذکر، معیت و سبک زندگی را روشن ساخته و ظرفیت‌های آن را به عنوان یک الگوی کاربردی برای زیست مؤمنانه نشان دهد.

پرسش‌های پژوهش

برپایه مسئله طرح‌شده، هدف این پژوهش آن است که از طریق کاوش نظام‌مند و سه‌مرحله‌ای به تبیین ابعاد گوناگون این تحول مفهومی پرداخته شود. این مسیر تحقیقی، که ساختار اصلی مقاله را شکل می‌دهد، با پاسخگویی به پرسش‌های زیر طی خواهد شد:

نخست، در این تحقیق مفهوم و مصادیق ذکر کثیر براساس پیکره روایی و تفسیری مورد



استناد، از ابهام خارج می‌شود. در این راستا، پرسش اصلی آن است که این مفهوم، ورای تکرار کمی اذکار، به چه حقایق کیفی و عملیاتی‌ای اشاره دارد؟ آیا می‌توان براساس متون، میان صورت و سیرت ذکر تمایزی قائل شد و مصادیق عینی آن را در حیات مؤمنانه شناسایی کرد؟ در گام بعد، کانون تحلیل بر روی حدیث محوری «أنا جلیس من ذکرنی» متمرکز خواهد شد تا روشن سازد این گزاره بنیادین، چگونه نسبت میان ذاکر (یادکننده) و مذکور (یادشونده) را تبیین کرده و به مفهوم انتزاعی قرب الهی، معنایی ملموس و رابطه‌مند با عنوان معیت می‌بخشد؟ این بخش در پی پاسخ به این پرسش است که هم‌نشینی با خدا چه سازوکار و لوازمی دارد و چگونه از دل یک عمل عبادی، پیوند وجودی متولد می‌شود. و درنهایت، پیامدهای این معیت در عرصه عمل بررسی شده است. پرسش نهایی آن است که براساس داده‌های موجود، تحقق این هم‌نشینی آگاهانه، چه تأثیرات معرفتی و عملی مشخصی بر سبک زندگی مؤمن برجای می‌گذارد و چگونه انتخاب‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای او را در ساحت فردی و اجتماعی بازآرایی می‌کند؟

پیشینه و نقد انتقادی آن

ادبیات پژوهشی موجود در پایگاه‌های علمی نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده درباره مفاهیم ذکر، معیت الهی و سبک زندگی را می‌توان در سه جریان اصلی دسته‌بندی کرد:

جریان نخست؛ رویکردهای روان‌شناختی و سلامت معنوی: بخش عمده‌ای از پژوهش‌های معاصر، بر کارکردهای روان‌شناختی ذکر تمرکز داشته‌اند. این دسته از مقالات، ذکر را عمدتاً به عنوان یک سازوکار مقابله‌ای برای کاهش اضطراب و دستیابی به آرامش روان تحلیل کرده‌اند (ر.ک: جان بزرگی، ۱۳۸۶؛ حسینی، ۱۳۷۸). ضعف روش‌شناختی این جریان آن است که ذکر را از یک ارتباط وجودی دوسویه، به ابزاری روان‌درمانی تقلیل داده و از ابعاد کلامی و عملی آن در سبک زندگی غفلت کرده‌اند.

جریان دوم؛ رویکردهای تفسیری و عرفانی: دسته دوم، پژوهش‌هایی‌اند که در آن‌ها به تحلیل مفهومی ذکر کثیر و معیت الهی پرداخته شده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق؛ خمینی، ۱۳۷۲). این آثار اگرچه در تبیین مراتب باطنی ذکر و مفاهیمی چون جلیس بودن خدا بسیار غنی‌اند، عموماً در ساحت انتزاعیات عرفانی باقی مانده و سازوکار امتداد این مفاهیم را در متن پیچیدگی‌های زندگی روزمره و انتخاب‌های اخلاقی ارائه نمی‌دهند.

جریان سوم؛ مطالعات سبک زندگی اسلامی: در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی با کلیدواژه سبک زندگی اسلامی منتشر شده‌اند که در آن‌ها نقش عبادات در زیست مؤمنانه بررسی شده‌اند (ر.ک: کاویانی، ۱۳۸۹). بااین حال، در این دسته از مقالات نیز، ذکر در کنار



سایر مناسک (مانند نماز و روزه) تنها به عنوان رفتار عبادی عمومی طبقه بندی شده است، نه به عنوان روح حاکم بر مدیریت اراده در مواجهه با حلال و حرام.

افزوده علمی و وجه تمایز پژوهش: برخلاف سه جریان یادشده، این پژوهش با اتخاذ رویکرد «الهیات عملی»، از تقلیل گرایی روان شناختی و انتزاع عرفانی عبور می کند. نوآوری این مقاله در آن است که با تمرکز بر عبارت راهبردی «ذَكَرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ»، نشان داده می شود که چگونه ذکر کثیر به یک کنش پیش دستانه در مدیریت اراده تبدیل می شود و چگونه تجربه «معیت الهی» به یک الگوی عملیاتی برای بازآفرینی هویت و سبک زندگی فردی و اجتماعی مؤمن بدل می گردد. این پیوند ارگانیک میان متن مقدس، تجربه معیت و عملکرد اجتماعی، خلئی است که این پژوهش به پرکردن آن اهتمام ورزیده است. نمای کلی از ارزیابی پیشینه و جایگاه پژوهش در جدول ۱ خلاصه شده است:

جدول ۱- خلاصه مرور انتقادی پیشینه و جایگاه پژوهش

جریان پژوهشی	تمرکز و رویکرد اصلی	نقد و خلأ روش شناختی
روان شناختی و سلامت معنوی	بررسی ذکر به عنوان نیروی مقابله ای برای کاهش اضطراب	تقلیل گرایی روان درمانی و غفلت از ابعاد کلامی-وجودی
تفسیری و عرفانی	تحلیل معناشناختی، مراتب باطنی و مفهوم جلیس بودن خدا	توقف در ساحت انتزاعیات و فقدان سازوکار امتداد در زندگی روزمره
سبک زندگی اسلامی	بررسی نقش عبادات (نماز، روزه، ذکر) در زیست مؤمنانه	نگاه مناسکی عمومی به ذکر و غفلت از نقش آن در مدیریت اراده
پژوهش حاضر (الهیات عملی)	پیوند متن مقدس با کنش های روزمره و تجربه زیسته (معیت)	پرکردن خلأ میان نظر و عمل؛ تبدیل ذکر به الگوی مدیریت رفتار

روش شناسی و مسیر تحلیل داده ها

این پژوهش بر پایه الگوی نظری کیفی و با بهره گیری از رهیافت تحلیل مضمون استقرایی این پژوهش بر پایه الگوی کیفی و با بهره گیری از روش «تحلیل مضمون استقرایی» انجام شده است. انتخاب این روش به این دلیل بود که بتوانیم الگوهای معنایی پنهان را بدون تحمیل پیش فرض های نظری، مستقیماً از دل متون دینی استخراج کرده و شبکه روابط میان مفاهیم را کشف کنیم.

برای دستیابی به تحلیلی جامع، جامعه اسنادی تحقیق به صورت هدفمند انتخاب گردید؛ به گونه ای که روایات، احادیث قدسی و آرای تفسیری فریقین ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب به دقت بررسی شد. منطق این انتخاب آن است که آیه شریفه یادشده و منظومه روایی پیرامون آن،



کانون اصلی و نقطه ثقل مباحث مربوط به «ذکر کثیر» در تراث اسلامی محسوب می‌شود. فرایند پردازش و تحلیل داده‌ها در یک روند نظام‌مند و رفت‌وبرگشتی، طی سه گام زیر اجرا گردید:

گام نخست؛ کدگذاری باز (غوطه‌وری در داده‌ها و تقطیع متن): در این مرحله، تمامی مستندات گردآوری شده به صورت سطر به سطر مطالعه شد. سپس واحدهای معنایی مرتبط با مفاهیم «ذکر» و «معیت» تقطیع گردید و به هریک، شناسه یا کد اولیه اختصاص یافت. **گام دوم؛ کدگذاری محوری (سازمان‌دهی مضامین):** کدهای استخراج شده در مرحله قبل، براساس قرابت معنایی و وجوه اشتراک، با یکدیگر مقایسه و دسته‌بندی شدند تا «مضامین سازمان‌دهنده» شکل بگیرند.

گام سوم؛ کدگذاری گزینشی (انتزاع شبکه مفهومی): در مرحله نهایی، با کشف پیوندهای منطقی میان مضامین سازمان‌دهنده، «مضامین فراگیر» استخراج شد که شالوده اصلی شبکه معنایی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. به منظور شفافیت روش‌شناختی، نمونه‌ای عملیاتی از فرایند تقطیع متن، کدگذاری و استخراج مضامین در جدول ۲ ارائه شده است:



دوره دوم / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

جدول ۲- فرایند استخراج مضامین از متون پایه (نمونه عملیاتی)

مضمون فراگیر (نظریه)	مضمون سازماندهی	کد اولیه (مضمون پایه)	داده خام (مستندات روایی/تفسیری)
گردان از کمیت به کیفیت	مراقبت عملی و کنترل	- نفی انحصار ذکر در الفاظ - خدا یاد در مواقف حلال و حرام	مَا ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُ بَشْيَءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ... ذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا أَمَّا إِنِّي لَكَ إِلَّا أَقُولُ... ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ لَهُ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ
معیت تجربه الهی	شرکت دوسویه و زنده عبد و رب	- هم‌نشینی متقابل پروردگار - پاسخگویی فعال خدا به ذاکر	أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي / ابْنُ آدَمَ أَذْكُرُنِي فِي نَفْسِكَ أَذْكُرُكَ فِي نَفْسِي.
سبک زندگی بازآفرینی	پالایش درونی و تولید سرمایه معنوی-اجتماعی	- خلوص نیت در پنهان - هم‌افزایی معنوی در جمع	شِيعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا / منبع بر حضور در حلق الذکر و ریاض الجَنَّة.

۱. شبکه مفهومی پژوهش

خروجی نهایی فرایند کدگذاری، شبکه مفهومی منسجمی است که روابط علیّ و تحلیلی مفاهیم را نشان می‌دهد. این شبکه دارای سه لایه اصلی است: (۱) لایه زیربنایی که همان فهم کیفی و مراقبتی از ذکر کثیر است. (۲) تکاملی که این لایه مراقبت را در قالب پدیده معیت الهی صورت‌بندی می‌کند؛ (۳) لایه کاربردی که بازتاب این معیت را در دو ساحت فردی (بصیرت و مدیریت اراده) و اجتماعی (شکل‌گیری جوامع اهل ذکر) نشان می‌دهد.

۲. اعتبارسنجی و پایایی پژوهش

برای تضمین روایی و اعتبار یافته‌ها، از راهکار تثلیث منابع استفاده شد. بدین معنا که برای یک مضمون (مانند بی‌حدبودن ذکر یا کیفی‌بودن آن)، داده‌ها به‌صورت متقاطع از منابع روایی امامیه، احادیث قدسی و کتب تفسیری اهل سنت و شیعه استخراج و تطبیق داده شده است. همچنین، به‌منظور ارزیابی پایایی فرایند کد، شبکه مضامین از استخراج‌شده توسط دو تن خبرگان حوزه علوم قرآن و حدیث بازبینی و بررسی شد.

منابع اعتبارسنجی و معیار حجیت روایات

در طول حفظ اتقان علمی و پرهیز از پذیرش غیرانتقادی داده‌ها، این پژوهش در گزینش و استناد به روایات، برپایه تواتر مضمونی و همسویی با منطق قرآن ارائه شده است. در پژوهش‌های مبتنی بر الهیات عملی، صرفاً رجالی و بررسی تک‌به‌تک اسناد کفایت نمی‌کند، اما زمانی که مفهومی بنیادین، مانند اولویت ذکر عملی در مواقف حلال و حرام بر ذکر لسانی، در معتبرترین منابع متقدم شیعه با اسناد و مدارک مختلف و همسانی تکرار شده است، این کثرت و همپوشانی، اعتبار و حجیت گزارش را از ضعف احتمالی سند یک روایت خاص تضمین می‌کند. برای نمونه، این مضمون واحد در منابعی چون الکافی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۸۰)، المحاسن (برقی، ۱۳۷۱ق، ج. ۱، ص. ۳۹)، الخصال (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج. ۱، ص. ۱۳۳) و معانی‌الآخبار (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۱۹۲) مشهود است. افزون‌براین، احادیث پایه‌ای این تحقیق، مانند حدیث قدسی «أنا جلیس من ذکرنی» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۱۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۳) و روایات مفسر قرآن ذکر کثیر، همگی در نقش تبیین‌کننده آیه ۴۱ سوره احزاب برای انجام آن و تفاسیر آن‌هاست. درنهایت، به معنای پرهیز از خلط روش‌شناختی، مرزبندی دقیقی میان نص معصوم (ع) و اقوال مفسران اعمال شده است؛ به‌گونه‌ای که استنباط‌های مفسرانی مانند ابن‌عباس، مجاهد و مقاتل بن سلیمان در ذیل آیه شریفه (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۲۲، ص. ۱۳؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۳۱۳۸)، در هماهنگی کامل با موازین روایی قرار داشته و این مجموعه آرای تفسیری در کنار احادیث



(به عنوان حجت شرعی)، برای تبیین و ردیابی سیر تطور مفهوم «ذکر» مورد بهره‌گیری قرار گرفته است.

بازخوانی انتقادی مفهوم ذکر کثیر؛ از کمیت تا کیفیت

در این بخش از پژوهش، تلاش شده است با عبور از تلقی‌های رایج و سطحی، به واکاوی لایه‌های عمیق‌تر مفهومی ذکر کثیر پرداخته شود. استدلال محوری این بخش آن است که سنت روایی و تفسیری، با به چالش کشیدن فهم کمی از ذکر، آن را به مثابه کیفیت حضوری و مراقبت عملی مستمر بازتعریف کند. این بازخوانی انتقادی، در سه گام به هم پیوسته صورت می‌گیرد: نخست، جایگاه استثنایی ذکر به عنوان فریضه‌ای بی‌کران تبیین می‌شود؛ سپس، با تفکیک میان صورت و حقیقت ذکر، جوهره عملی آن آشکار می‌گردد؛ و در نهایت، الگوهای کاربردی برای نیل به این حقیقت کیفی تحلیل می‌شوند.

۱. ذکر به مثابه فریضه‌ای بی‌حد و مرز

برای درک دقیق مفهوم ذکر کثیر، ابتدا باید به جایگاه ویژه آن در میان سایر فرایض اسلامی توجه کرد. در حالی که نظام عبادی اسلام بیشتر تکالیف را در قالب زمان، مکان و شرایط خاصی محدود کرده است، فریضه ذکر از این قاعده مستثنا بوده و به عنوان تکلیفی همیشگی و نامحدود معرفی می‌شود. این ویژگی منحصر به فرد، مبنای اصلی برای گذر از نگاه کمی به نگاه کیفی در باب ذکر است. امام صادق (ع) در بیانی روشن به این موضوع اشاره می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرُ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ» (هیچ عملی نیست مگر آنکه حدی دارد که به آن پایان می‌پذیرد، جز ذکر که هیچ حدی برای آن نیست) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۴۹۸؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج. ۴، ص. ۲۸۵). ایشان در ادامه، با مقایسه ذکر و فرایض مشخص مانند روزه ماه رمضان و حج، یادآور می‌شود که خدا در این مورد به مقدار اندک بسنده نکرده و برای آن پایانی در نظر نگرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۴۹۸). این نامحدود بودن را نباید تنها به معنای توصیه به تکرار بیشتر کلمات دانست، بلکه نشان می‌دهد تعریف مبتنی بر شمارش برای این فریضه کافی نیست. اگر حقیقت ذکر صرفاً در تکرار الفاظ خلاصه می‌شد، قاعداً باید مانند دیگر عبادات دارای مرزهای مشخصی بود. همین بی‌حد بودن گویای آن است که ذکر تنها یک عمل مقطعی نیست، بلکه حالت حضور مستمر است که تمام اوقات و احوال فرد را دربرمی‌گیرد.

این رویکرد در متون تفسیری نیز کاملاً بازتاب داشته است. بسیاری از مفسران تصریح کرده‌اند که خدا برای تمام فرایض واجب حدی معین قرار داده و در شرایط خاص (عذر)، مکلف را معاف کرده است؛ اما درباره ذکر، هیچ‌کس جز فرد فاقد عقل معذور نیست (طبری،



۱۴۱۲ق. ج. ۲۲، ص. ۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق. ج. ۸، ص. ۵۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج. ۱۴، ص. ۱۹۷). بر همین اساس، لزوم یاد خدا در همه احوال — اعم از شب و روز، خشکی و دریا، سفر و حضر، غنا و فقر، بیماری و سلامت، و نهان و آشکار — به عنوان اصل پذیرفته شده در تفاسیر مطرح است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق. ج. ۹، ص. ۳۱۳۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق. ج. ۸، ص. ۸۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق. ج. ۳، ص. ۶۴).

در نتیجه، برای بازخوانی این مفهوم باید پذیرفت که بی حد بودن ذکر، چهارچوب های صرفاً کمی را کنار می زند و پژوهشگر را به سوی جست و جوی حقیقتی کیفی سوق می دهد؛ حقیقتی که بتواند در تمامی شئون زندگی استمرار یابد و زمینه را برای تحقق پیوند عمیق میان عبد و معبود (معیت) فراهم سازد.

۲. فراتر از ذکر لسانی: تفکیک میان صورت و حقیقت ذکر

سنت روایی با ایجاد تفکیکی میان صورت و حقیقت ذکر، تلقی کمی از این فریضه را به نقد می کشد. این بازخوانی انتقادی در روایات متعددی از امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) بازتاب یافته است. آنجا که مرز میان ذکر واقعی و صوری را چنین ترسیم می کنند: «أَمَّا إِنْ لَا أَقُولُ لَكُمْ سُبْحَانَ اللَّهِ... وَ إِنْ كَانَ مِنْهُ، وَ لَكِنْ ذَكَرَ اللَّهَ. حَرَّمَ؛ فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمَلَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا» (طوسی، ۱۴۱۴ق. ج. ۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق. ج. ۱، ص. ۲۰۷؛ ابن همام اسکافی، ۱۴۰۳ق. ص. ۹۰). این بیان، ذکر لسانی را نفی نمی کند، بلکه جوهره ذکر کثیر را در قالب ذکر قلبی در مواقف طاعت و معصیت تعریف می کند (دینوری، ۱۴۲۴ق. ج. ۲، ص. ۱۷۸).

براین اساس، ذکر به روح حاکم بر اعمال و مانعی (حاجز) در برابر گناه بدل می شود (طبرسی، ۱۴۱۵ق. ج. ۹۰، ص. ۱۶۴). امام باقر (ع) در تبیین همین معنا، یاد خدا هنگام وسوسه به معصیت را مصداق روشن تقوا دانسته و آن را بر آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» منطبق ساختند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق. ج. ۱، ص. ۱۹۲). در این لایه معنایی، ذکر کثیر فراتر از شمارش الفاظ، همان التزام عملی به مرزهای الهی است. این فرایند از صورت لسانی به حقیقت عملی، دقیقاً همان نقطه ای است که تحلیل ذکر کثیر را از مبحث کلامی انتزاعی خارج کرده و به الهیات عملی پیوند می زند. در این راستا، ارزش گذاری فریضه بر پایه تجربه زیسته و کارکرد عینی آن در منش رفتاری مؤمن ارزیابی شده است. براین اساس، روایات مکتب اهل بیت (ع) با قانون بر حاکمیت یاد خدا در مواقف حلال و حرام، ذکر را به عنوان راهبردهای عملیاتی دگرگون کننده در متن های زندگی روزمره بازتعریف می کنند تا از لایه ذهن به لایه کنش منتقل شود.



۳. مصادیق کاربردی: الگوهای ساختاریافته برای نیل به ذکر کثیر

سنت روایی برای عینیت‌بخشیدن به مفهوم ذکر در حیات عادی، الگوهای ساختاریافته‌ای را به‌عنوان تمرین‌های معنوی و ورود به ساحت کیفی ذکر معرفی کرده است. برجسته‌ترین این مصادیق، تسبیحات حضرت زهرا (س) است که امام صادق (ع) به‌صراحت آن را مصداق بارز آیه ۴۱ سوره احزاب و ذکر کثیر می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج. ۲، ص. ۵۰۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق. ج. ۵، ص. ۴۷۴؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق. ص. ۱۹۴).

در کنار این الگوی شاخصی که تمجید، شکر و تنزیه را دربردارد، روایات به حداقل‌های کمی دیگر برای خروج از دایره غفلت اشاره کرده است. ازجمله گفتن ۳۰ مرتبه تسبیحات اربعه (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۸، ص. ۵۶۷؛ حویزی، ۱۴۱۵ق. ج. ۴، ص. ۲۸۶)، ۳۳ مرتبه تسبیح پس از هر نماز واجب (حویزی، ۱۴۱۵ق. ج. ۴، ص. ۲۸۶)، یا گفتن صد هنگام، یا گفتن صد مرتبه، یا گفتن صد مرتبه. با توجه به اصل بی‌حدبودن ذکر، این ساختارهای عددی نه حد نهایی، بلکه حد نصاب و ابزارهای تربیتی می‌شوند. کارکرد این الگوها، ایجاد مداوم روزانه برای گرفتن هم‌زمان ذهن و قلب است تا به زبان ذکر صورت به سیرت اهل ذکر بدل شده و زمینه‌ساز ورود پایدار مؤمن به بالاترین ارتباط با پروردگار باشد.

از منظر الهیات عملی، این الگوهای عددی و مناسکی ساختاریافته، درواقع به‌مثابه راهکارهای رفتاری و تمرین‌های نظام‌مند برای نهادینه‌سازی ملکه‌ای درونی عمل می‌کنند. هدف از الهیات عملی در این امر، فاعل‌سازی مفهوم ذکر زبانی به‌عنوان شتاب‌آور برای رسیدن به کیفیت حضور است. شریعت با ارائه این الگوهای کاربردی، بستری عینی ارائه می‌سازد تا مؤمنان با استفاده از طریق انضباط عبادی روزمره، ملکه مراقبت را در خود تقویت کنند و این حضور را از بستر محدود سجاده به کل گستره کنش‌های زیست مؤمنانه و سبک زندگی خود تسری دهد.

أنا جلیس من ذکرنی؛ تجلی معیت الهی در سیره اهل ذکر

پس از آنکه در بخش پیشین، حقیقت ذکر کثیر به‌مثابه یک حالت حضوری و مراقبت عملی مستمر تبیین گردید، اکنون این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که این حضور دائم عبد در محضر رب، چه نوع نسبتی را میان آن دو برقرار می‌سازد؟ این قسمت در پی آن است تا با تمرکز بر حدیث قدسی محوری «أنا جلیس من ذکرنی»، نشان دهد که ثمره نهایی ذکر، فراتر از پاداش‌های اخروی، تحقق یک معیت و هم‌نشینی آگاهانه و دوسویه با خدا در همین جهان است. این تحلیل، در سه گام صورت می‌پذیرد: نخست، معنای عمیق جلیس‌بودن خدا واکاوی می‌شود؛ سپس، شروط تحقق این معیت، با تفکیک میان ذکر حقیقی و صوری،



بررسی می‌گردد؛ و درنهایت، آثار و برکات ملموس این هم‌نشینی الهی براساس متون روایی تبیین خواهد شد.

۱. تبیین مفهوم جلیس بودن خدا: از قرب انتزاعی تا هم‌نشینی فعال

نقطهٔ اوج تحول در فهم رابطهٔ عبد و معبود، در گفت‌وگویی پرمغز میان حضرت موسی (ع) و پروردگارش نهفته است. آنگاه که کلیم‌الله با این پرسش وجودی که «يَا رَبَّ اُ بَعِيدٌ اَنْتَ مِنِّي فَأَنَاذِيكَ اَمْ قَرِيبٌ فَأُنَاجِيكَ» (پروردگارا، آیا دوری تا تو را ندا دهم یا نزدیکی تا با تو نجوا کنم؟) به درگاه الهی روی می‌آورد، پاسخی دریافت می‌کند که تمام معادلات را دگرگون می‌سازد: «يَا مُوسَى اَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذِكْرَنِي» (ای موسی، من هم‌نشین کسی هستم که مرا یاد کند) (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۱۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۳، ۱۶۲). کاربرد واژهٔ جلیس در این حدیث قدسی، که در منابع معتبری تکرار شده (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۷۷)، حامل بار معنایی عمیقی است که این رابطه را از مفهوم قرب انتزاعی فراتر می‌برد. جلیس صرفاً به معنای نزدیک نیست، بلکه بر هم‌نشینی آگاهانه، دوسویه و فعال دلالت دارد. این گزاره، خدا را نه مذکور منفعل که صرفاً مورد یاد قرار می‌گیرد، بلکه حاضر و پاسخ‌دهنده‌ای فعال به ذکر عبد معرفی می‌کند.

بر این معنای متعالی، در روایات دیگر نیز تأکید شده است. گزاره‌هایی چون «أَنَا مَعَ عَبْدِي مَا ذَكَرَنِي وَ تَحَرَّكَتْ بِي شَفَتَاهُ» (من با بندهٔ خود هستم تا زمانی که مرا یاد کند و لبانش به نام من حرکت کند) (طبرانی، ۲۰۰۸، ج. ۵، ص. ۲۰۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج. ۳، ص. ۴۷۰) و به‌ویژه این حدیث قدسی که «إِنَّ آدَمَ اِذَا ذَكَرَنِي فِي نَفْسِكَ اُذْكُرَكَ فِي نَفْسِي... اِذَا ذَكَرَنِي فِي مَلَاٍ اُذْكُرَكَ فِي مَلَاٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَاٍكَ» (فرزند آدم، مرا در خلوت خود یاد کن تا تو را در نزد خودم یاد کنم... مرا در میان جمع یاد کن تا تو را در جمعی بهتر از جمع آنان یاد کنم) (برقی، ۱۳۷۱ق، ج. ۱، ص. ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۸)، همگی بر این حقیقت صحه می‌گذارند که ذکر کنش یک‌سویه نیست، بلکه آغازگر تعامل دوسویه و زنده است. هر یادکردن از سوی عبد، طبق وعدهٔ صریح الهی در آیهٔ «فَاذْكُرُونِي اُذْكُرْكُمْ»، با پاسخی متقابل و برتر از سوی رب مواجه می‌شود. بنابراین، معیت حاصل از ذکر، نه حضوری فیزیکی یا مکانی، بلکه نوعی هم‌نشینی آگاهانه و پاسخگو است که در آن، ذاکر از تنهایی و غیبت به درآمده و به ساحت انس با پروردگار خویش وارد می‌شود؛ هم‌نشینی‌ای که در آن، هر لحظه از یاد بنده، با پاسخی از جنس توجه، رحمت و گشایش الهی همراه است.

۲. مراتب‌شناسی ذکر: از حرکت زبان تا مراقبت در عمل

اگر معیت و هم‌نشینی با خدا، واقعیت وجودی دوسویه و تعاملی است، این پرسش مطرح می‌شود که این ارتباط چگونه آغاز می‌گردد؟ در آموزه‌های مکتب اهل‌بیت (ع) و متون



تفسیری، با ترسیم هندسه‌ای دقیق، برای ذکر مراتبی قائل شده‌اند که از لفظ آغاز و به عمل ختم می‌شود. برخلاف پندار نفی‌کننده ذکر زبانی، در احادیث قدسی بر ارزشمندی این مرتبه نخستین تأکید شده است؛ چنان‌که خدا می‌فرماید: «أَنَا مَعَ عَبْدِي مَا ذَكَرَنِي وَ تَحَرَّكَتْ بِي شَفَاتُهُ» (من با بنده‌ام هستم، مادامی که مرا یاد کند و لب‌هایش به نام من حرکت نماید) (طبرانی، ۱۴۲۹ق. ج. ۵، ص. ۲۰۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق. ج. ۳، ص. ۴۷۰؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق. ج. ۱، ص. ۲۵۹). اهمیت این کمیت تا آنجاست که در تعیین مصادیق ذکر کثیر، گاه به عددهای مشخصی چون گفتن سی مرتبه تسبیحات اربعه (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۸، ص. ۵۶۷؛ حویزی، ۱۴۱۵ق. ج. ۴، ص. ۲۸۶) یا تسبیحات حضرت زهرا (س) اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج. ۲، ص. ۵۰۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق. ج. ۴، ص. ۴۷۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق. ج. ۱، ص. ۱۹۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ق. ج. ۴، ص. ۲۸۵).

باین‌حال، منطق روایی در این سطح متوقف نمی‌ماند و با عبارتی ظریف، ضمن تأیید ذکر زبانی، افق بالاتری را می‌گشاید. امام صادق (ع) در تبیین سخت‌ترین فرائض (أَشَدُّ مَا فَرَضَ اللَّهُ)، می‌فرماید: «لَا أَعْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ... وَ إِن كَانَ مِنْهُ» (مقصودم [فقط] گفتن سبحان‌الله... نیست، اگرچه این‌ها نیز بخشی از ذکر است)؛ بلکه حقیقت ذکر، یاد خدا هنگام مواجهه با حلال و حرام است (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج. ۲، ص. ۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق. ج. ۱، ص. ۶۶۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق. ج. ۱، ص. ۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج. ۹۰، ص. ۱۵۱). این بیان دقیق که در منابع متعدد تکرار شده (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق. ج. ۱، ص. ۲۰۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق. ج. ۱، ص. ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج. ۹۰، ص. ۱۵۵)، نشان می‌دهد که ذکر لسانی نفی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان مقدمه پذیرفته شده، اما شرط کمال معیت، عبور از لقلقه زبان و رسیدن به ذکر عملی و بازدارندگی در بزنگاه‌های گناه است.

۳. اخلاص و ذکر در نهان؛ شرط بنیادین هم‌نشینی

پس از تبیین مراتب، پرسش کلیدی این است: شرط ورود به ساحت خالصانه هم‌نشینی چیست؟ واکاوی متون نشان می‌دهد که خلوص نیت، شاه‌کلید این ارتباط است. امیرالمؤمنین (ع) در کلامی راهبردی، مرز میان کثرت کمی و کثرت کیفی را این‌گونه ترسیم می‌کند: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ فِي السِّرِّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (هرکس خدا را در نهان یاد کند، همانا خدا را بسیار یاد کرده است) (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق. ج. ۱، ص. ۲۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج. ۹۰، ص. ۱۶۰). منطق حاکم بر این گزاره، ریشه در تقابل ماهوی اخلاص و ریا دارد.

امام (ع) در ادامه همین استدلال، برای اثبات سخن خویش، به سیره منافقان اشاره کرده و مستقیماً به آیه ۱۴۲ سوره نساء استناد می‌کند: «يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (منافقان) با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند) (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق. ج. ۱، ص. ۱۶۸).



ج. ۱، ص. ۲۵۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج. ۴، ص. ۲۸۵). استدلال حضرت بر این پایه استوار است که چون منافقان خدا را در انظار عمومی یاد می‌کنند اما در خلوت غافل‌اند، ذکرشان اندک (قلیل) شمرده شده است؛ هرچند به ظاهر زیاد باشد. بنابراین، ذکر در سرّ به دلیل پیراستگی از شائبه خودنمایی، مصداق اتمّ عمل خالصانه و ذکر کثیر است. این خلوص تا آنجا اهمیت می‌یابد که حتی یاد خدا در میان غافلان (مانند بازار)، به دلیل دشواری حفظ توجه و غربت ذاکر، هم‌سنگ جهاد در راه خدا و سبب ورود به بهشت دانسته شده است (برقی، ۱۳۷۱ق.، ج. ۱، ص. ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج. ۹۰، ص. ۱۵۸). بدین سان، معیت الهی تنها نصیب کسانی می‌شود که در نهان و آشکار، فارغ از قضاوت خلق، تنها به جلیس خود (خدا) نظر دارند.

۴. دیالکتیک خلوت و جلوت؛ از هویت شیعی تا معیت جمعی

این تأکید راهبردی بر ذکر نهانی، هرگز به معنای نفی کامل ذکر آشکار یا انزوای طلبی نیست، بلکه در پی تبیین این شرط بنیادین است که روح حاکم بر هر ذکر، چه در خلوت و چه در جلوت، باید اخلاص باشد. همان‌گونه که خدا در حدیث قدسی می‌فرماید: «أَذْكُرُنِي فِي مَلَأِ أَذْكُرَكَ فِي مَلَأِ خَيْرٍ مِنْ مَلَكٍ» (مرا در میان جمع یاد کن تا تو را در جمعی برتر یاد کنم) (برقی، ۱۳۷۱ق.، ج. ۱، ص. ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج. ۹۰، ص. ۱۵۸)، ذکر جمعی نیز جایگاهی ویژه دارد؛ اما سلامت آن در گرو پشتوانه‌ای نهانی است.

امام صادق (ع) در تعریفی هویتی، معیار تشیع را چنین ترسیم می‌کند: «شِيعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيراً» (شیعیان ما کسانی‌اند که هرگاه خلوت کنند، خدا را بسیار یاد نمایند) (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج. ۲، ص. ۴۹۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ق.، ج. ۴، ص. ۲۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج. ۹۰، ص. ۱۶۲). ذاکری که در تنهایی و خلوت خویش هم‌نشین خداست، ذکر آشکار او نیز تجلی همان حضور باطنی خواهد بود و از آفت ریا مصون می‌ماند. بنابراین، شرط لازم برای تحقق معیت الهی، پالودن ذکر از هرگونه انگیزه‌ای جز خود مذکور است. تنها در این صورت است که یادکردن عبد، به یک ارتباط حقیقی و دوسویه بدل می‌شود و او را شایسته ورود به ساحت جلیس‌بودن با پروردگار می‌سازد؛ ساحتی که آثار و برکات شگرفی را در حیات ذاکر به همراه خواهد داشت.

۵. آثار و برکات وجودی معیت الهی

تحقق معیت و استقرار در ساحت هم‌نشینی خالصانه با خدا، صرفاً تجربه عرفانی درونی نیست، بلکه منشأ آثار و برکات ملموسی است که تمام ابعاد وجودی ذاکر را در دنیا و آخرت تحت تأثیر قرار می‌دهد. سنت روایی، با تفصیل و تأکید فراوان، این نتایج وجودی را برمی‌شمرد؛ نتایجی که نه پاداش‌هایی منفک و بیرونی، بلکه پیامدهای طبیعی و منطقی استقرار در این رابطه دوسویه‌اند. می‌توان این آثار را در چهار ساحت اصلی دسته‌بندی و تحلیل کرد:



نخست، سرآغاز همهٔ برکات، استقرار رابطهٔ محبت‌آمیز است. ذکر کثیر، کلید ورود به ساحت محبت الهی است. پیامبر اکرم (ص) به صراحت فرموده است: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ أَحَبَّهُ» (هرکس خدا را بسیار یاد کند، خدا او را دوست خواهد داشت) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۵۰۰؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص. ۳۹). این محبت، رابطهٔ یک‌سویه نیست، بلکه پاسخی است به یادکردن عبد. در حدیث قدسی نیز آمده است که خدا به پیامبرش (ص) فرموده است: «إِذَا رَأَيْتَ عَبْدِي يُكْثِرُ ذِكْرِي فَأَنَا أَذُنْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ وَأَنَا أُحِبُّهُ» (هرگاه دیدی بنده‌ام بسیار مرا یاد می‌کند، [بدان که] من به او این اذن را داده‌ام و من او را دوست دارم) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۶۰). این محبت، سنگ‌بنای تمام آثار بعدی است.

دوم، ثمرهٔ این محبت، کسب ایمنی و برائت است. ذاکری که در پناه محبت الهی قرار می‌گیرد، از دو خطر بنیادین ایمن می‌گردد: آتش دوزخ و نفاق. در روایات متعدد آمده است: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ التَّفَاقُ» (برای کسی که خدا را بسیار یاد کند، دو برائت‌نامه نوشته می‌شود: برائت از آتش و برائت از نفاق) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۵۰۰؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج. ۴، ص. ۲۸۵). این ایمنی، نتیجهٔ طبیعی حضور دائم در محضر خداست؛ چراکه نفاق، محصول غفلت و دوگانگی ظاهر و باطن است و چنین حالتی با معیت مستمر الهی جمع نمی‌شود. علاوه‌براین، ذاکر از خطرات و بلاهای ناگهانی نیز مصون می‌ماند، چنان‌که تصریح شده است صاعقه به ذاکر خدا اصابت نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۶۲).

سوم، تحقق کفایت امور دنیوی و پاداش اخروی است. هم‌نشینی با خدا، ذاکر را از اشتغال خاطر به غیر او بی‌نیاز می‌سازد. در حدیث قدسی مشهوری آمده است: «مَنْ شُغِلَ بِذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ مَنْ سَأَلَنِي» (هرکس به واسطهٔ یاد من از درخواست کردن از من بازماند، من برترین چیزی را که به درخواست‌کنندگان می‌دهم، به او عطا خواهم کرد) (برقی، ۱۳۷۱ق، ج. ۱، ص. ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۸، ۱۶۱). این گزاره بیانگر آن است که معیت الهی، خود متضمن عنایت و تدبیر امور ذاکر است. افزون‌بر این کفایت دنیوی، پاداش‌های عظیم اخروی نیز برای او تضمین شده است؛ ازجمله آنکه خدا او را در بهشت خویش و در سایهٔ عرش خود جای خواهد داد: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۵۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۶).

این سه دسته از آثار نشان می‌دهند که معیت حاصل از ذکر، تحولی بنیادین در سرنوشت و هویت ذاکر ایجاد می‌کند. او با ورود به دایرهٔ محبت الهی، از خطرات ایمن گشته و حیات دنیوی و اخروی‌اش تحت کفایت و عنایت مستقیم پروردگار قرار می‌گیرد. این برکات عظیم، صرفاً نتایج معرفتی و درونی نیستند، بلکه باید در ساحت عمل و منش ذاکر نیز تجلی



یابند. این پرسش که این تحول وجودی، چگونه به بازآفرینی سبک زندگی مؤمن می‌انجامد، موضوعی است که در بخش بعدی این پژوهش به تفصیل مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

تعمیق تأثیر معیت الهی بر سبک زندگی مؤمنانه

پس از آنکه ماهیت ذکر کثیر به مثابه حضور کیفی بازخوانی و ثمره آن در تحقق معیت الهی و آثار وجودی آن تبیین گردید، اکنون کانون تحلیل به بررسی تجلیات عملی این هم‌نشینی در ساحت سبک زندگی منتقل می‌شود. این قسمت در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که چگونه تحول درونی و معرفتی (معیت)، به بازآفرینی ملموس در منش، نگرش و کنش‌های روزمره مؤمن می‌انجامد. این واکاوی، در سه مرحله صورت می‌پذیرد: نخست، نقش بنیادین ذکر به عنوان عامل بصیرت و زدودن حجاب‌های غفلت تحلیل می‌شود؛ سپس، نمود عینی این بصیرت در حاکمیت یاد خدا بر انتخاب‌های اخلاقی بررسی می‌گردد؛ و در نهایت، بُعد اجتماعی این سبک زندگی در قالب مشارکت در مجالس ذکر واکاوی خواهد شد.

۱. ذکر، جلای قلوب و عامل بصیرت

نخستین و بنیادین‌ترین تأثیر معیت الهی بر سبک زندگی، در ساحت معرفت و شناخت رخ می‌دهد. هم‌نشینی مستمر با خدا، به مثابه فرایند پالایش درونی، حجاب‌ها و زنگارهای غفلت را از آینه قلب زدوده و قوه بصیرت را در انسان احیا می‌کند. این مفهوم، در استعاره‌ای پرمغز در کلام نبوی (ص) تبیین شده است: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَتَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ» (همانا این دل‌ها زنگار می‌گیرند، همان‌گونه که آهن زنگ می‌زند). در ادامه، یگانه راه زدودن این زنگار، تلاوت کتاب خدا و کثرت ذکر او معرفی می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج. ۳، ص. ۶۴؛ حقی برسوی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۱۹۱). این جلای قلب، تحول صرفاً احساسی نیست، بلکه ارتقا در قوه تشخیص و ادراک است. امیرالمؤمنین (ع) نیز خدا را جلای دل‌ها معرفی می‌کند که به واسطه آن، قلب پس از سنگینی کری، می‌شنود و پس از ضعف بینایی، می‌بیند (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵، ج. ۲۲، ص. ۱۶۸).

سازوکار این فرایند در تقابل میان ذکر خدا و کلام لغو نهفته است. همان‌گونه که «كَثْرَةُ الْكَلَامِ بَعِيرٌ ذَكَرَ اللَّهُ يُقْسَى الْقَلْبُ» (کثرت کلام در غیر یاد خدا، قلب را سخت می‌کند) (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۹۰، ص. ۱۶۴)، کثرت یاد او این فرایند را معکوس می‌کند و به نرمی، شنوایی و بینایی دل می‌انجامد. معیت با خدا، به طور ذاتی، حالتی از حضور و آگاهی است که با غفلت — ریشه اصلی قسوت قلب — در تضاد قرار دارد. ذاکری که خود را هم‌نشین خدا می‌یابد، دیگر نمی‌تواند به سادگی در ورطه لغو و بیهودگی گرفتار آید. این مراقبت مستمر، به تدریج قلب را از زنگارهای حاصل از غفلت پاک کرده و آن را برای دریافت نور معرفت آماده می‌سازد. این همان بصیرت است؛ قوه تمییز حق از باطل و توانایی دیدن امور ورای ظواهر



مادی آن‌ها. ذاکری که در پرتو معیت، قلبش صیقل یافته، دیگر اسیر غفلت‌ها و وسوسه‌هایی که محصول دوری از خداست، نمی‌شود. او به نورانیت درونی دست می‌یابد که راهنمای او در تمام شئون زندگی است؛ چنان‌که در روایات آمده، خانه‌ای که در آن ذکر خدا و تلاوت قرآن جاری است، برای اهل آسمان نورافشانی می‌کند، همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج. ۲، ص. ۴۹۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ق. ج. ۴، ص. ۲۸۵). بنابراین، نخستین نمود سبک زندگی اهل ذکر، سبک زندگی با بصیرت تیزبین است؛ حیاتی که در آن، تصمیم‌ها و نگرش‌ها نه برآمده از ظواهر فریبنده و هیجانات زودگذر، بلکه مبتنی بر شناخت روشن و قلبی است که از پرتو هم‌نشینی مستمر با خدا حاصل شده است.

۲. سبک زندگی مبتنی بر ذکر عملی: حاکمیت یاد خدا بر انتخاب‌ها

بصیرت و نورانیت قلبی که از پرتو معیت الهی حاصل می‌شود، اگر در ساحت عمل و انتخاب‌های روزمره تجلی نیابد، معرفتی ابتر و ناکارآمد خواهد بود. سبک زندگی اهل ذکر، دقیقاً در نقطه پیوند میان شناخت و کنش متولد می‌شود؛ آنجا که بصیرت درونی به التزام عملی بیرونی بدل می‌گردد و معرفت به آزمون کشیده می‌شود. هسته مرکزی و قلب تپنده این سبک زندگی، همان مفهومی است که در بخش اول به‌عنوان حقیقت ذکر کثیر معرفی شد: «ذَكَرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ» (یادکردن خدا هنگام مواجهه با حلال و حرام). این اصل بنیادین، که در معتبرترین منابع روایی با بسامد و تأکیدی شگفت‌انگیز تکرار شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج. ۲، ص. ۸۰، ۱۴۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج. ۱، ص. ۱۳۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق. ج. ۱، ص. ۱۹۲-۱۹۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق. ج. ۱، ص. ۶۶۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق. ج. ۱، ص. ۲۰۷؛ ابن همام اسکافی، ۱۴۰۴ق. ج. ۱، ص. ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج. ۹۰، ص. ۱۵۱-۱۵۵)، ذکر را از عمل عبادی منقطع و زمان‌مند، به اصل حاکم بر تمام تصمیم‌گیری‌ها و روح جاری در شریان حیات مؤمنانه ارتقا می‌دهد.

سازوکار این حاکمیت، در تحلیل عمیق‌تری از کلام امیرالمؤمنین (ع) آشکار می‌شود که برترین ذکر را چنین وصف می‌کند: «أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذَكَرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزًا» (برتر از آن [یاد خدا در مصیبت]، یاد خدا هنگام مواجهه با حرام الهی است که [این یاد] به یک مانع تبدیل شود) (طبرسی، ۱۴۱۵ق. ج. ۹۰، ص. ۱۶۴). واژه کلیدی حاجز (مانع)، از سازوکاری روان‌شناختی - معرفتی دقیق پرده برمی‌دارد. ذاکری که خود را هم‌نشین (جلیس) خدا می‌بیند، در لحظه وسوسه و در آستانه ارتکاب گناه، این معیت را حاضر و ناظر می‌یابد. این حضور آگاهانه، که با حیا و تعظیم همراه است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق. ج. ۲۵، ص. ۱۷۲)، عظمت مذکور را در برابر لذت آنی معصیت قرار می‌دهد و یک مانع درونی و قدرتمند در برابر اراده سوء ایجاد می‌کند. به بیان دیگر، یاد خدا در این بزنگاه، نه توصیه اخلاقی صرف، بلکه عامل مدیریت



اراده است که کفه ترازو را به نفع طاعت سنگین می‌کند و از طریق فعال‌سازی خوف الهی، فرد را از سقوط بازمی‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج. ۹۰، ص. ۱۵۱).

این سبک زندگی، حیاتی است که در آن هر انتخاب و هر اقدام از صافی دقیق یاد خدا عبور می‌کند. در این الگوی نظری، ذکر نه واکنشی انفعالی، که هشجاری پیش‌دستانه است که پیش از ورود به هر موقعیتی، این پرسش بنیادین را مطرح می‌سازد: آیا این عمل در چهارچوب حلال الهی است یا حرام. امام صادق (ع) با ترسیم موقعیت‌های غافلگیرکننده زندگی می‌فرماید: «ذَكَرَ اللَّهُ... إِذَا هَجَمْتَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ» (یاد خدا... آنگاه که ناگهان بر طاعتی یا گناهی هجوم می‌بری/وارد می‌شود) (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق. ج. ۱، ص. ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج. ۹۰، ص. ۱۵۵؛ برقی، ۱۳۷۱ق. ج. ۱، ص. ۳۹).

در این لحظات حساس، یاد خدا کارکردی دوگانه و تعیین‌کننده می‌یابد: اگر موقعیت، فرصت طاعت باشد، ذکر به‌عنوان نیروی محرک و مشوق عمل می‌کند (عَمَلٌ بَهَا) و اگر پرتگاه معصیت باشد، نقش حاجز (مانع) و بازدارنده ایفا می‌نماید (تَرَكَهَا). این حقیقت در منابع متعدد روایی به‌عنوان تفسیر ذکر کثیر معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج. ۲، ص. ۸۰؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق. ج. ۱، ص. ۲۰۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق. ج. ۱، ص. ۶۶۵؛ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق. ج. ۱، ص. ۲۵۹).

این همان ترجمان عملی معیت است؛ وضعیتی که در آن، فرد خود را در هیچ لحظه‌ای تنها و بی‌حساب نمی‌بیند و تمام کنش‌هایش را در محضر آن جلیس حاضر تنظیم می‌کند. این تعهد عملی مستمر، نه تنها فرد را از گناه بازمی‌دارد، بلکه به‌تدریج هویت او را بازآفرینی کرده و او را به انسانی بدل می‌کند که اراده‌اش با اراده الهی همسو شده است؛ حقیقتی که امام صادق (ع) آن را ملاک اطاعت دانسته است: «مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ» (هرکس حقیقتاً ذاکر خدا باشد، مطیع اوست) (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج. ۹۰، ص. ۱۵۱؛ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق. ج. ۱، ص. ۲۵۸).

۳. از فردیت تا اجتماع: خَلْقُ الذِّكْرِ به‌مثابه تجلی اجتماعی معیت

سبک زندگی مبتنی بر معیت الهی، هرچند در هسته خود تحول فردی و درونی است، در ساحت فردیت محصور باقی نمی‌ماند و به‌طور طبیعی و ضروری به عرصه اجتماع تسری می‌یابد. مؤمنی که طعم شیرین هم‌نشینی با خدا را چشیده، به اتمسفر معنوی محیط پیرامون خود حساس می‌شود و درمی‌یابد که استمرار این حالت متعالی، در انزوای کامل یا در محیط‌های غفلت‌زا، اگر نه ناممکن، دست‌کم بسیار دشوار است. از این‌رو، سنت روایی با تأکید فراوان بر اهمیت مجالس ذکر، نشان می‌دهد که سبک زندگی اهل ذکر، شامل تعهدی فعالانه برای حضور و مشارکت در اجتماعاتی است که در آن، یاد خدا تقویت شده و معیت به‌صورت



جمعی تجربه و تحکیم می‌شود. این اجتماعات، که در کلام نبوی با تعبیری شوق‌انگیز «رِیَاضُ الْجَنَّةِ» (باغ‌های بهشت) نامیده شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۵۶، ۱۶۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۳۲۱)، فضاهای معنوی - اجتماعی‌اند که ذاکران برای تقویت یکدیگر و ایجاد سرمایه اجتماعی معنوی گرد هم می‌آیند.

کارکرد این حَلَقُ الذِّکْرِ (حلقه‌های ذکر)، صرفاً یادآوری ساده نیست، بلکه فرایند هم‌افزایی است. در این فضا، معیت فردی هریک از اعضا، در تعامل با دیگران تقویت می‌شود و به معیت جمعی ارتقا می‌یابد. این همان منطقی است که در اندرز حکیمانه لقمان به فرزندش نهفته است؛ آنجا که او را به هم‌نشینی با قومی که خدا را یاد می‌کنند ترغیب کرده و از نشستن با غافلان برحذر می‌دارد، چراکه در مجلس ذاکران، علم فزونی می‌یابد و رحمت الهی نازل می‌شود و حتی فرد جاهل نیز از برکت جمع بهره‌مند می‌گردد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۹۰، ص. ۱۶۴). متون روایی، برکات شگرفی را برای این اجتماعات برمی‌شمرند؛ این مجالس، محل حضور فرشتگان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۴۹۹)، محل تبدیل سیئات به حسنات و نزول مغفرت الهی است (تیمی، ۱۴۲۵ق، ج. ۲، ص. ۷۲۴؛ ابن‌ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق، ج. ۱، ص. ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۶۲).

درمقابل، مجلسی که در آن یاد خدا و صلوات بر پیامبرش (ص) نباشد، جز حَسْرَةٌ وَ وَبَالًا (حسرت و نکبتی) برای اهلش به بار نخواهد آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۹۰، ص. ۱۶۱). این تقابل شدید، نشان می‌دهد که انتخاب هم‌نشین و محیط اجتماعی، انتخابی راهبردی و بخش جدایی‌ناپذیر سبک زندگی اهل ذکر است. این انتخاب، کنشی هویتی است که مرز میان جامعه ذاکران و فرهنگ غفلت را ترسیم می‌کند. بنابراین، سبک زندگی اهل ذکر در بعد اجتماعی خود، به معنای مشارکت فعال در ساخت و حضور در جوامع کوچکی است که در آن، معیت الهی از تجربه فردی به فرهنگ جمعی بدل می‌شود و اعضا، یکدیگر را در مسیر استمرار این حضور آگاهانه یاری می‌کنند. به این ترتیب، این پژوهش با حرکت از بازخوانی مفهوم ذکر، به تبیین معیت و آثار آن، و درنهایت به تجلیات فردی و اجتماعی آن در سبک زندگی رسید. حال، می‌توان در گام نهایی، یافته‌های این مسیر تحلیلی را جمع‌بندی و الگوی مفهومی نهایی را ارائه کرد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با عبور از تلقی‌های تقلیل‌گرایانه و کمی، به واکاوی مفهوم ذکر کثیر و پیامد آن یعنی معیت الهی از نظر الهیات عملی پرداخته شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد حقیقت ذکرشده در هندسه معارف کاربردی اسلام، از یک کنش صوری و لسانی



به یک سازندهٔ پیش‌دستانه برای مدیریت تصمیم در انتخاب‌های اخلاقی برتر می‌یابد. الگوی نهایی‌شده در این پژوهش، نظری سه‌وجهی است که برای بازآفرینی سبک زندگی مؤمنانه را می‌کند: (۱) در وجه نخست (مراقبتی)، ذکر از انحصار زبان خارج می‌شود و به‌مثابهٔ نیروی بازدارنده (حاجز) درمورد حلال و حرام می‌کند. (۲) در وجه دوم (تجربهٔ کلامی - وجودی)، این التزام عملی به تحقق معیت الهی و هم‌نشینی فعال عبد و رب (برپایهٔ حدیث قدسی «انا جلیس من ذکرنی») می‌شود که ثمرهٔ آن ایمنی، محبت و کفایت است. (۳) در وجه سوم (امتداد هویتی و رفتاری)، این معیت در ساحت فردی به تولید بصیرت و در ساحت اجتماعی به شکل‌گیری **حلقه‌های ذکر** و تولید سرمایه اجتماعی - معنوی می‌انجامد. مهم‌ترین دلالت کاربردی این پژوهش آن است که سبک زندگی مؤمنانه یک وضعیت تصادفی یا صرفاً مناسکی نیست، بلکه محصول پیوند ارگانیک میان باور به حضور خدا و کنش عملی در رفتار است. بر این اساس، دلالت راهبردی پژوهش حاضر برای برنامه‌ریزان فرهنگی آن است که این مدل می‌تواند از سطح نظریهٔ تفسیری خارج شده و به‌عنوان الگویی تربیتی و رفتاری در حوزه‌های سلامت، اخلاق حرفه‌ای و مشاوره مورد کاربست عملیاتی قرار گیرد.

فهرست منابع

- ابن‌ابی‌حاتم. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. مکتبهٔ نزار مصطفی‌الباز.
- ابن‌ابی‌زمین. (۱۴۲۴ق.). *تفسیر ابن‌ابی‌زمین*. دارالکتب العلمیه.
- ابن‌بابویه. (۱۳۶۲). *الخصال*. جامعهٔ مدرسین.
- ابن‌بابویه. (۱۴۰۳ق.). *معانی الأخبار*. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.
- ابن‌بابویه. (۱۴۰۶ق.). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. دارالشریف الرضی للنشر.
- ابن‌جوزی. (۱۴۲۲ق.). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. دارالکتب العربی.
- ابن‌شعبهٔ حرانی، ح. (۱۴۰۴ق.). *تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله*. جامعهٔ مدرسین.
- ابن‌فهد حلّی، ا. (۱۴۰۷ق.). *عدة الداعی و نجاح الساعی*. دارالکتب الإسلامی.
- ابن‌همام اسکافی، م. (۱۴۰۴ق.). *التمحیص*. مدرسهٔ الإمام المهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف.
- بحرانی، ه. (۱۴۱۵ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. موسسهٔ البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
- برقی، ا. (۱۳۷۱ق.). *المحاسن*. دارالکتب الإسلامیه.
- تیمی، ی. (۱۴۲۵ق.). *تفسیر یحیی‌بن‌سلام*. دارالکتب العلمیه.



- ثعلبی، ا. (۱۴۲۲ق.). *الكشف و البیان*. دار إحياء التراث العربی.
 حقى برسوى، ا. (بی تا). *تفسير روح البیان*. دارالفكر.
 حویزی، ع. ع. (۱۴۱۵ق.). *تفسير نور الثقلين*. اسماعیلیان.
 خمینی، ر. (۱۳۷۲). *آداب الصلاة (آداب نماز)*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
 دینوری، ع. (۱۴۲۴ق.). *تفسير ابن وهب*. دارالکتب العلمیه.
 سبحانی تبریزی، ج. (۱۳۹۵). *منیة الطالبین فی تفسير القرآن المبين*. مؤسسه امام صادق علیه السلام.
 سمرقندی، ن. (۱۴۱۶ق.). *بحر العلوم*. دارالفكر.
 طبرانی، س. (۲۰۰۸). *التفسير الكبير*. دار الكتاب الثقافی.
 طبرسی، ف. (۱۴۱۵). *مجمع البیان فی تفسير القرآن*. ناصر خسرو.
 طبری، م. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسير القرآن*. دارالمعرفه.
 طوسی، م. (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. دارالثقافه.
 فخر رازی، م. (۱۴۲۰ق.). *التفسير الكبير*. دار إحياء التراث العربی.
 قاسمی، ج. (۱۴۱۸ق.). *محاسن التأویل*. دارالکتب العلمیه.
 قرآن کریم. (۱۴۴۵ق.). *مجمع الملك فهد*.
 قرطبی، م. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. ناصر خسرو.
 کاویانی، م. (۱۳۸۹). *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 کلینی، م. (۱۴۰۷ق.). *الكافی*. دارالکتب الإسلامیه.
 کوفی اهوازی، ح. (۱۴۰۲ق.). *الزهد*. المطبعه العلمیه.
 مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. دار إحياء التراث العربی.
 مهدوی کنی، م. س. (۱۳۸۷). *دین و سبک زندگی (با تمرکز بر مفهوم سبک زندگی اسلامی)*. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

